

## وضعیت اقتصادی امام حسن مجتبی علیه السلام در عصر حضور در مدینه النبی

فاطمه ضیایی<sup>۱</sup>، شهناز کریم زاده سورشجانی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر، وضعیت اقتصادی امام حسن مجتبی علیه السلام در سال های زندگی پس از صلح در مدینه تا شهادت را بررسی می کند. متأسفانه در اذهان عمومی، بخشی از تاریخ امام حسن علیه السلام که بیشتر به صلح ایشان مربوط است نقش بسته و به ابعاد دیگری از زندگی امام علیه السلام کمتر اشاره شده است. ایشان غیر از مصالحه جویی و مصلت یابی امت اسلامی خصلت های ستوده دیگری مانند جود و کرم فراوان نیز داشت. منابع درآمد ایشان بیشتر از موقوفات امیرالمؤمنین علیه السلام و محصول فعالیت های شخصی ایشان بود آن هم به گونه ای که بخش اعظم آن صرف نیاز مستمندان می شد نه مصارف شخصی زندگی خودش. این امام با وجود این همه منابع مالی، زندگی بسیار ساده و زاهدانه ای داشت.

**واژگان کلیدی:** وضعیت اقتصادی، امام حسن مجتبی علیه السلام، مدینه النبی.

### ۱. مقدمه

سبک حیات و روش زندگی امامان شیعه از همه جهات برای مسلمان ها الگویی راهبردی است. بنابراین، شناخت آنها ضروری است. یکی از این الگوها درس گرفتن از حیات امام حسن علیه السلام است. امام حسن مجتبی علیه السلام چند ماهی خلافت مسلمین را بردوش داشت و پس از آن، امامت امت را قریب به ۱۰ سال برعهده داشت. در طول این مدت با اینکه تحت فشار رفتارها و سیاست های ظالمانه حاکم جور یعنی، معاویه بن ابی سفیان بود شجاعانه و خردمندانه و مدبرانه به رهبری جامعه اسلامی مشغول بود.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد تاریخ اهل بیت علیهم السلام از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، قم، ایران.

<sup>۲</sup> مدیر گروه علمی - تربیتی تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، قم، ایران.

امام رئوف امت اسلامی، تمام زندگی خویش را با اشتیاق و اراده، صرف خلق نیازمند خدا می‌کرد تا جایی که آوازه بخشش و کرم ایشان بر سر زبان‌ها افتاد. ایشان چندین بار تمام دارایی خود را با مردم تقسیم کرد و بسیاری از نیازمندان را غنی کرد. این درحالی است که باکمال تأسف در بعضی از متون تاریخی، بدترین نسبت‌ها را به امام حسن علیه السلام داده‌اند مانند همسرگزینی فراوان که نشان از اشتغال به زن باارگی و خرج‌های کلان و گزاف و دنیاطلبی دارد. این نسبت‌های ناروا به جهت آن است تا چهره سخاوتمندانه ایشان را خدشه‌دار کنند. برای رد این نسبت‌های ناروا نگارنده، حالت، سبک، شیوه و وضعیت اقتصادی و نوع زندگی ایشان را بررسی می‌کند.

در برخی پژوهش‌ها اشاره‌هایی به وضعیت اقتصادی امام حسن علیه السلام شده است از جمله مقاله‌ای با عنوان سبک زندگی اقتصادی امام حسن علیه السلام اثر معصومه اخلاقی و نعمت‌الله فروشانی. در این مقاله بسیار کلی و خلاصه از دارایی‌ها و مخارج امام گزارشی داده شده است، اما مقاله پیش‌رو جزئیات بیشتری از وضعیت اقتصادی، مخارج امام، منابع مالی، سبک و منش شخصی زندگی امام و کمک به نیازمندان در مدینه‌النبی را بررسی می‌کند. امام پس از صلح و بازگشت به مدینه و اسکان در این شهر مانند هر فرد دیگری مخارج و درآمدهای مالی داشت. گمان می‌رود که درآمدش از موقوفات و صدقات و نیز فعالیت‌های شخصی بود. عمده مخارج اصلی ایشان به اقشار ضعیف تعلق داشت و بین آنها توزیع می‌شد. این درحالی است که امام خود، زندگی ساده و بی‌آلایشی داشت. هدف از پژوهش حاضر، تبیین وضعیت اقتصادی امام حسن علیه السلام در سال‌های زندگی پس از صلح در مدینه است تا اوج سخاوت‌مندی و بخشش امام حسن علیه السلام برای علاقه‌مندان به این موضوع مشخص شود.

## ۲. آشنایی با ادوار زندگی و جایگاه سیاسی و اجتماعی امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در پانزدهم رمضان سال سوم هجری در شهر مدینه و در خانواده رسالت و امامت و محل فرود و صعود فرشتگان و مأموران الهی به دنیا آمد. مادر ایشان تنها دختر پیامبر از حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام نخستین وصی رسول خداست. او اولین فرزند آن دو بود. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۵/۲۵۵) ابن سعد گزارش‌های تاریخ حاکی از علاقه

زیاد پیامبر ﷺ به امام حسن عجلایه و امام حسین عجلایه است. پیامبر ﷺ این دو بزرگوار را فرزندان خود می دانست. امام حسن عجلایه تا سن ۸ سالگی محضر مبارک پدر بزرگ خود را درک کرد. او پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ و شهادت حضرت فاطمه عجلایه تحت سرپرستی و تربیت مستقیم امیرالمؤمنین عجلایه قرار گرفت. وی توفیق یافت که دوره کامل امامت و خلافت پدرش امام علی عجلایه را درک کند. او در تمام لحظات عمر امام، سایه وار کنار پدر بود و در مسائل سیاسی، عیادی، نظامی و... همسوبا ایشان بود و در همه اتفاقات تلخ و ناگوار و شیرین و گوارای دوران امام علی عجلایه حضور فعال داشت.

امام حسن مجتبی عجلایه در سن ۲۷ سالگی در تاریخ ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری یتیم شد. امام علی عجلایه در این تاریخ، توسط ابن ملجم مرادی یکی از خوارج به شهادت رسید. امام حسن مجتبی عجلایه پس از شهادت ایشان، امامت، رهبری و خلافت جامعه اسلامی را عهده دار شد. چون امام علی عجلایه این مقام را به فرزند خود امام حسن مجتبی عجلایه تحویل داد. خلافت ظاهری امام حسن مجتبی عجلایه قریب به شش ماه طول کشید. معاویه بن ابی سفیان اموی که دشمن سرسخت امیرالمؤمنین عجلایه و خاندان پاک ایشان بود از شرایط به وجود آمده سوءاستفاد کرد و به طمع کسب قدرت از شام به عراق، مقر حکومت امام حسن عجلایه لشکر کشید و جنگ داخلی را آغاز کرد. وی با ایجاد توطئه های پنهانی و علنی و برهم زدن جمعیت سپاه امام، مانع پیروزی امام حسن عجلایه شد. معاویه از درون سپاه، امام را توسط وعده و وعید متزلزل ساخت و درمیان سپاه او اختلاف ایجاد کرد. این موضوع امام را مجبور به پذیرش صلح ناخواسته و تحمیلی با معاویه کرد.

امام حسن عجلایه و اهل بیت وی پس از امضای مواد صلح تحمیلی با معاویه مکان زندگی خود را تغییر داد. به همین دلیل شهر کوفه را به مقصد شهر مدینه ترک کرد. با اینکه امام دست از خلافت ظاهری کشیده بود و آن را به سردمدار شام سپرده بود، اما معاویه همچنان امام را تحت نظر داشت و سخت ترین فشارهای روحی، جسمی و شکنجه را بر اهل بیت عجلایه و شیعیان وی روا می داشت. در طول مدت ده سال امامت امام حسن عجلایه، اهل بیت عجلایه و شیعیان وی در نهایت اختناق زندگی کردند و امام حتی در بیت شخصی خویش امنیت نداشت و توسط همسرش جعه که فریفته وعده های

فریبنده معاویه شده بود مظلومانه با زهری کشنده به شهادت رسید. ایشان در طی این ده سال، فعالیت های فرهنگی و اجتماعی خود را در جهت رشد اسلام و مسلمانان و دستگیری بینوایان و محرومان جامعه اسلامی با جدیت ادامه داد.

## ۱-۲. امام حسن مجتبی و تولیت موقوفات و صدقات

یکی از مسئولیت های امام حسن مجتبی علیه السلام که از سوی پدرش به او سپرده شده بود سرپرستی و تولیت موقوفات امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خویش، فرزند بزرگ خود امام حسن علیه السلام را عهده دار این مسئولیت کرد. همه این موقوفات دو بخش بود: موقوفات خود امیرالمؤمنین علیه السلام مانند چاه، چشمه، نخل و دیگر چیزهایی که ایشان خود آنها را احداث کرده بود و برخی دیگر نیز موقوفاتی بود که از پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیه السلام به جا مانده بود مثل چشمه ینبع، باغات هفت گانه، مشربه ام ابراهیم که تولیتش به عهده امیرالمؤمنین بود. امیرالمؤمنین علیه السلام طی فرمانی به امام حسن علیه السلام می فرماید: «و (پس از من) حسن بن علی سفارش مرا انجام می دهد (وصی من است) از مال و داراییم به طور شایسته (طبق دستور شرع در نیازمندی های خود) صرف می کند و به مستحقین و سزاواران می بخشد و اگر برای حسن پیشامدی نمود و از دنیا رفت و حسین زنده است وصی من بعد از حسن، اوست و سفارشم را مانند او انجام می دهد و برای دو پسر فاطمه: (حسن و حسین علیه السلام) از بخشش علی علیه السلام آن است که برای سایر پسران علی است. از دارایی من به همان مقدار که به دیگر برادران می دهند بردارند و اینکه تصدی این کار را به دو پسر فاطمه دادم برای به دست آوردن خشنودی خدا و تقرب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و پاس احترام او و شرافت خویشاوندی با آن حضرت است. امام علیه السلام شرط می کند با آنکه تصدی این مال را به او داده است حسن علیه السلام اینک این مال را همان طوری که هست، باقی بگذارد (نفرود) و میوه آن را در آنچه به آن مأمور گشته و راه نموده شده است، صرف نماید و شرط می کند که نهالی از زاده های درخت خرما این ده ها را نفروشد تا همه زمین آباد گردد» (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۵، نامه ۲۴، ۸۷۴).

حقیقت این تصدی برای اموال امام و حاکم است که باید برای حفظ امامت و زعامت و خاندان پرفضیلت اهل بیت علیهم السلام حفظ شود و حقوق و صدقات به اهلش برسد و این منصب از شئونات و مسئولیت‌های امام است که به امام حسن علیه السلام و سپس امام حسین علیه السلام سپرده است. اگر غیر از این باشد خشنودی خدا و تکریم خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله معنا ندارد. (زمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳) این اموال تحت اختیار امام حسن علیه السلام بود و او طبق صلاح خویش از آن در راه خدا و اسلام و مسلمین استفاده می‌کرد؛ زیرا جز امام علیه السلام کسی دیگر به مشکلات واقعی جامعه بصیرت نداشت.

## ۲-۲. موقوفات و صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله

### ۱-۲-۲. باغ‌های هفت‌گانه امام حسن علیه السلام

این باغ‌ها که شامل: عواف، صافیه، دلال، میثب، برقه، حسنی و مشربه ام‌ابراهیم بود هدیه‌هایی مخیریق یهودی به پیامبر صلی الله علیه و آله بود. مخیریق از طایفه بنی‌نظیر و یک عالم بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد. (احمد بن یحیی، ۱۳۳۷، ص ۲۷) مخیریق، هنگامی که از شهر مدینه به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به جنگ احد می‌رفت، گفت: «اگر من کشته‌شدم اموال من مال محمد صلی الله علیه و آله است که در راه خدا صرف کند (واقعی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۰؛ حموی، ۱۹۹۵، ۲۹۰/۵). مخیریق به میدان جنگ رفت و کشته شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره وی فرمود: «مخیریق، بهترین قوم یهود بود» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۱۸۱/۷). مشربه ام‌ابراهیم باغی است که مادر ابراهیم (فرزند رسول خدا) که ایشان همان ماریه قبطیه است به هنگام درد زایمان به چوبی از چوب‌های آن مشربه چنگ انداخت. به همین علت به این نام نهاده شد. این چوب امروزه در مشربه مشخص است (نمیری، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶). اعواف، جایگاهی است در نزدیکی مدینه که اموال اهل مدینه در آن نگهداری می‌شده است (زمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶). حسنی و اعواف نیز از مهرورز آبیاری می‌شدند. برقه و میثب، همان دو باغی است که سلمان فارسی درختانش را کاشت که در زمره اموال یهودیان بود و از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله شد (نمیری، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله این هفت باغ را در سال ۷ هجری وقف کرد.

### ۲-۲-۲. ثروت‌های بنی‌نضیر

این اموال، زمین‌ها، باغ‌ها و چاه‌هایی بود که پس از تبعید و کوچ کردن یهودیان بنی‌نضیر از مدینه به خاطر خیانتشان به مسلمانان، به پیامبر ﷺ اختصاص یافت و ایشان نیز از غنایم این اراضی بخشی را به خود و بخشی را هم به نیازمندان جامعه مسلمین اختصاص داده بود. آن بخشی که متعلق به خودشان بود را بین خویشان و ذوی‌القربی تقسیم کرد و الباقی را بین مستمندان خیرات می‌کرد. همچنین مصرف سالیانه خرما و جو همسران و فرزندان عبدالمطلب را از آن تأمین می‌کرد و اضافه‌اش را صرف خرید تجهیزات جنگی می‌کرد. رسول خدا ﷺ با این اموال، تاحدی مسلمانان را در گشایش قرار داد. (واقعی، ۱۳۶۹، ۲۸۰/۲)

### ۲-۲-۳. سرزمین و باغ‌های خیبر

این ملک‌ها هم متعلق به یهودیان شهر مدینه بود که پس از فتح قلعه‌های مستحکم جنگی و غیرنظامی مناطق خیبر به دست سپاه اسلام که هفت قلعه بود، سه قلعه به پیامبر ﷺ اختصاص یافت. در واقع پنج قلعه به جنگ فتح شد که یکی از آنها یعنی، خمس به ایشان تعلق می‌گیرد. دو قلعه دیگر به صلح فتح شد که مختص اموال ایشان قرار گرفت. (سمهودی، ۱۴۱۹، ۷۴/۴)

### ۲-۲-۴. محصولات باغستان بزرگ فدک

این باغ از واگذاری‌های یهودیان به پیامبر ﷺ بود که در واقع بدون جنگ به تصرف سپاه اسلام درآمد و جزء املاک خاصه پیامبر ﷺ شد. باغی که حاصلخیزی و ثمره فراوان داشت. (طبری، ۱۳۸۷، ۱۱۴۹/۳) پیامبر ﷺ نیز باغ فدک را به فاطمه زهرا علیها السلام هدیه کرد که تا زمان خلافت ابوبکر در مالکیت ایشان بود. در زمان ابوبکر، باغ فدک بدون رضایت دختر پیامبر به بیت‌المال اختصاص یافت و از دختر پیامبر ستمگرانه غصب شد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ۴۶/۶). این باغ در زمان امام حسن علیه السلام دوباره به اهل بیت پیامبر بازگردانده نشد.

## ۲-۲-۵. ثروت‌های سرزمین‌های وادی القری

زمین‌هایی بود که بین شهر مدینه و ولایت شام قرار داشت که روستاهای فراوانی داشت. از اراضی یهودی نشینی بود که به پرداخت جزیه راضی نشدند و سرانجام در سال هفتم هجری پس از فتح مناطق خیبر به دست مسلمانان فتح شد. خمس وادی القری به پیامبر ﷺ تعلق گرفت (حموی، ۱۹۹۵، ۳۴۵/۵) و از جمله موقوفات ایشان شد. اینها خلاصه‌ای از اموالی بود که از پیامبر ﷺ به جا مانده بود که آنها را به دست افرادی از خاندان خویش می‌سپرد تا سود آنها را به مصرف مستمندان مسلمین برسانند که در زمان امام حسن علیه السلام ملکیت و سرپرستی و نحوه مصرف این اموال با تدبیر وی بود.

## ۲-۲-۶. موقوفات و صدقات به جامانده از امیرالمؤمنین علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام املاک و اموالی را که از طرف پیامبر ﷺ و فاطمه علیها السلام در اختیار داشت و مربوط به صدقات ایشان می‌شد به امام حسن علیه السلام و پس از ایشان به امام حسین علیه السلام و پس از ایشان نیز به صالح‌ترین فرزندی از فرزندان فاطمه علیها السلام واگذار کرد. (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۴۵/۹) همچنین املاک و زمین‌های کشاورزی حضرت نیز بود که خودش آنها را احداث کرده بود و محصولات آنها را در راه اسلام خرج می‌کرد. اموال و تملکات حضرت به طور خلاصه به شرح زیر است:

- حره الرجاء، القصبه، چاه‌های ذوات العشرات یعنی، اراضی که دارای چشمه‌ها و مزارع سرسبزی بود که امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را وقف کرده بود. منطقه ینبع، منطقه‌ای بود که دارای چشمه‌های متعدد و روستاهای گوناگون بود و افراد زیادی نیز در آنجا سکونت داشتند که دارای زراعت و درختکاری و نخل‌های فراوانی بودند. (زمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸). این مناطق، همه وقف شده توسط امیرالمؤمنین بودند که تولیت آن به فرزندش امام حسن علیه السلام واگذار شد. امیرالمؤمنین علیه السلام در ینبع، بَغِیغَات را پدید آورد. بَغِیغَات، مجموعه چاه‌ها و چشمه‌هایی است که از آن جمله است: چشمه‌ای به نام خیف الأراک، چشمه‌ای به نام خیف لیلی و چشمه‌ای دیگر به نام خیف بسطاس که در آن، قطعه‌ای نخلستان در جوار چشمه است.

بغیغات از چاه‌هایی است که امیرالمؤمنین علیه السلام خودش آنها را حفر کرده است و اراضی آنها را آباد کرده و آن‌گاه آنها را وقف کرد. اینها همچنان در شمار صدقات و اوقاف او بود. (نمیری، ۱۳۸۰، ۲۲۰/۱) مخارج المؤمنین علیه السلام در کوفه هم که بود از ینبوع و دیگر املاکش می‌آمد. ایشان با این درآمد به مردم گوشت و خورش و نان می‌خورانید و انفاق می‌کرد، اما خودش نان و زیتون با خرما تناول می‌کرد (ثقفی کوفی، ۱۳۷۳، ص ۴۷). درآمد امام علیه السلام از موقوفاتش به‌گفته خود ایشان حدود چهل هزار دینار بود (جزری، ۱۴۰۹، ۵۹۹/۳). همچنین صحرای رعیه والأحسن و چشمه ناقه در مدینه و دیمه و اُدینه (نمیری، ۱۳۸۰، ۲۲۴؛ زمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹) که در وصیت‌نامه ایشان نام برده شده را به فرزندش واگذار کرد. امام حسن علیه السلام نیز طبق وصیت پدرش از این موقوفات در راه اسلام و مصلحت شریعت و رفع نیاز مستمندان جامعه اسلامی استفاده می‌کرد.

#### ۲-۷. ارث‌های به‌جامانده از امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام

املاک و اموالی از پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیه السلام به‌عنوان ارث برای اهل بیت ایشان باقی ماند. مانند اموالی که پیامبر صلی الله علیه و آله از پدر و مادر و همسرش به ارث برده بود. به‌گفته امام رضا علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از ملک فدک، اموال دیگری مخصوص به خود داشت مانند باغی در شهر مدینه، چهل شتر، شش اسب و... که به حضرت زهرا علیه السلام رسید (اریلی، ۱۳۸۱، ۴۹۷/۱) و ایشان نیز به دست امیرالمؤمنین و فرزندان‌شان سپرد. شمشیر ذوالفقار هم جزء ارث رسیده به امام حسن علیه السلام بود. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در وصیت‌نامه سیاسی-الهی خویش از اموال فاطمه علیه السلام نام برده است که باید در اختیار فرزندان ایشان قرار بگیرد. همچنین از ثلث وادی القری به‌عنوان اموال فرزندان فاطمه علیه السلام نام برد (طبرسی، ۱۳۶۸، ۵۲/۱۴). ارث‌هایی که به امام حسن علیه السلام رسید، بیشتر املاک بود و براساس گفته ایشان از پدر بزرگوارش تنها هفتصد درهم اضافه عطیای ایشان مانده بود که با آنها قصد خرید یک خدمتکار برای خانه خود را داشت (کلینی، ۱۳۶۹، ۴۵۷/۱).

در صدر اسلام حرفه کشاورزی شغلی بود که پس از دامداری از منابع مهم درآمدزای مردم گذشته و آن دوره به شمار می‌رفت. همان‌طور که در قسمت‌های گذشته در این مقاله آمد موقوفات و صدقات و ارضیه باعنوان املاک و اراضی به دست امام حسن مجتبی علیه السلام واگذار شده بود. این املاک زمین‌های زراعی و دارای چشمه‌های آبیاری بودند. طبیعی است که امام حسن مجتبی علیه السلام پس از جریان صلح تحمیلی که از کوفه به مدینه مهاجرت کرده بود و از مناسبات سیاسی و حکومتی دور نگه داشته شده بود مشغول نظارت و کار در این اراضی برای خدمات اجتماعی دینی به نیازمندان باشد تا هم از نزدیک بر جریان امور نظارت کرده باشد و هم به خوبی به وصیت‌های پدر بزرگوارش در تولیت این املاک عمل کرده باشد.

#### ۹-۲-۲. درآمدهای امام حسن علیه السلام از بیت‌المال دولت وقت

در یکی از بندهای صلح‌نامه بین امام حسن مجتبی علیه السلام و معاویه بن ابی‌سفیان که به شروط مالی و حقوقی بین آنها مربوط می‌شود، آمده است: «پنج میلیون درهم از بیت‌المال مستثنی است که باید به امام حسن علیه السلام واگذار شود. هر سال دویست میلیون درهم به امام حسین علیه السلام تعلق گیرد. بنی‌هاشم بر بنی‌عبدالمطلب در بخشش‌ها و عطاها مقدم باشند. هر سال یک میلیون درهم به فرزندان کسانی که در جنگ جمل و صفین به شهادت رسیده‌اند، داده شود و این از خراج دارا برگرد باشد» (دینوری، ۱۴۱۰، ۱۸۵/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ۴۰۵/۳). باید گفت که درباره این شروط مالی در کتب تاریخی، قیل و قال‌هایی است که عده‌ای پیشنهاد شروط مالی را از سوی امام علیه السلام رد کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۶، ۳۹۳/۲) و دلایلی هم آورده‌اند مانند اعتراض سلیمان بن صُرَد خَزَایبی به امام حسن مجتبی علیه السلام مبنی بر اینکه چرا برای خود از عطاها سهمی قرار نداده است (بلاذری، ۱۴۱۷، ۴۷/۳).

پذیرش مورد اول و دوم که امام از بیت‌المال برای خود و برادرش سهمی مقرر کرده باشد، مشکل است، اما بندهای بعدی درخواست برای شیعیان و بنی‌هاشمیان است که برای پذیرش آن مغایرتی وجود ندارد؛ زیرا امام علیه السلام همیشه در فکر چنین افرادی بود. به هر صورت، معاویه به هیچ‌یک از مفاد

صلح نامه اعتنا و عمل نکرد. طمع قدرت و حکومت وی را کر و کور کرده بود و می خواست هرچه سریع تر عراق را هم تصرف کند. او نه تنها به سیره پیامبر ﷺ عمل نکرد بلکه بر سنت خلفای پیشین که باعث چنین جایگاهی برای وی شدند هم باقی نماند. یزید را به جانشینی خویش منصوب کرد و امنیت را هم از شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام سلب نمود و به لعن ایشان پرداخت و در آخر نیز امام حسن مجتبی علیه السلام را مسموم و شهید کرد. (بلاذری، ۱۴۱۷، ۴۵/۳)

امام علیه السلام هم می دانست که معاویه، عهدشکن است و طمع قدرت وی را کور کرده و امکان ندارد به مفاد صلح نامه پایبند باشد. با نگاهی در تاریخ این امام علیه السلام و شرایط ایجاد شده برای صلح، این مطلب مشخص می شود که امام علیه السلام چاره ای جز صلح نداشت و شروط صلح هم نوعی اتمام حجت است تا گمان برده نشود که با میل خویش چنین صلحی را پذیرفت. معاویه همان زمان که صلح نامه را دریافت کرد و به اصطلاح موافقت کرد به کوفه آمد و بر بالای منبر رفت و گفت: «من شروط را برای خاموش کردن آتش فتنه و مدار با مردم و ایجاد الفت پذیرفتم، اما اکنون همه آنها را زیر پا می گذارم» (بلاذری، ۱۴۱۷، ۴۴/۳). به عبارت دیگر گفت: «من با شما برای خواندن نماز و گرفتن روزه و انجام حج و پرداخت زکات جنگ نکردم بلکه جنگیدم تا امیر شما باشم و خدا این را به من عطا کرد در حالی که شما از آن کراهت داشتید (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۶۶/۱۶). آن گاه حکومت کوفه را به مغیره بن شعبه سپرد و آنجا را ترک کرد. پس از این ماجرا خلافت امام حسن مجتبی علیه السلام که در رمضان ۴۰ هجری آغاز شد در ربیع الآخر سال ۴۱ هجری پس از گذشت حدود هفت ماه به پایان رسید.

## ۲-۱۰. هدایای امام حسن مجتبی علیه السلام

براساس برخی گزارش های تاریخی که در بین کتب ثبت شده است هدایایی از سوی حکومت وقت، برای امام حسن علیه السلام می آمد که ایشان هم با تمام خصومتی که با معاویه داشت هدایای حکومت را می پذیرفت. امام صادق علیه السلام فرمود: «یک بار که معاویه برای امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر هدیه فرستاد امام حسن علیه السلام آن را برای ادای قرض خود استفاده کرد و الباقی را در میان خانواده خویش و غلامان به مصرف رساند» (راوندی، ۱۳۶۸، ۲۳۸/۱). درباره چنین موضوعی از علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار آمده است: «گرفتن چنین بخششی از سوی فرد ظالمی که غالب و

چیره بر مسلمانان است، جایز است؛ زیرا مال آنها از راه ظلم به دست آمده و بر امام علیه السلام و عموم مسلمانان واجب است از وی بگیرند چه به رضایت و چه به اکراه، آن گاه در راه صلاح مصرف کند» (مجلسی، ۱۳۹۲، ۲/۳۹۶).

این گونه هدایا به عنوان صلّه و جایزه به امامان در دوره های مختلف داده می شد. امامان این هدایا را از حاکمان می پذیرفتند و به مستمندانی که از حقوق بیت المال محروم بودند، کمک می کردند، اما باید آگاه بود که با تمام این شرایط، افرادی می خواستند که با روایات اغراق آمیز از اعطای هدایا، معامله و مصالحه امام حسن علیه السلام را سودجویانه معرفی کنند و در پی بزرگ کردن وجه و جایگاه معاویه بودند و همچنین پایین آوردن شخصیت امام حسن مجتبی علیه السلام را می خواستند. این در حالی است که امام حسن علیه السلام پس از صلح به شهر مدینه رفت و مناسبات دیگری با معاویه نداشت. ایشان تا آخر عمر در مدینه ماندگار شد. جاعلان حدیث و عمال حکومتی این روش امام را آسایش طلبی و ثروت اندوزی معرفی کردند. (طبری، ۱۳۸۷، ۴/۱۲۱) از این مطالب و موضوعاتی که امام علیه السلام مجبور به صلح تحمیلی شد و در هیچ مناسبات حکومتی از سوی معاویه از ایشان دعوت نشد و همیشه تحت نظر امنیتی حکومت معاویه بود، سخنی نگفت. این گونه روایات که در پی خدشه دار کردن وجهه سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله و مخدوش کردن جایگاه ایشان به عنوان امام شیعیان و پرچم دار ولایت است، قابل قبول نیست.

## ۲-۱۱. خرج های امام حسن مجتبی علیه السلام

مقداری از مخارج امام علیه السلام صرف امور خانواده ایشان و امورات شخصی و مقداری نیز در راه خدا صرف می شده است. امام حسن علیه السلام از افراد خاندان کرامت و بخشندگی است؛ یعنی کسانی که در هر کاری یگانه هستند. امام کانون مهر، عاطفه، جود و سخاوت است و این مهربانی هم نسبت به مردم بود و هم نسبت به خانواده اش. بی تردید امام حسن مجتبی علیه السلام در تأمین نیازهای خانواده خود از زن و فرزند و خدمتکاران هر چند کم یا زیاد می کوشید. در بررسی از احوال شخصی خانوادگی امام حسن علیه السلام مشخص شد که برخی از منابع تاریخی تعداد ازدواج های امام علیه السلام را که البته متفاوت است و قابل نقد

و خدشه هم هستند به ۷۰، ۹۰، ۳۰۰ بار می‌رسانند. (مجلسی، ۱۳۹۲، ۳/۳۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱/۵۶۱) این روایات پر از ضد و نقیض که در پی کاهش اعتبار امام علیه السلام هستند قابل قبول نیست. این در حالی است که منابع معتبر، تعداد فرزندان ایشان را با قبول بیشترین تعداد ۲۳ نفر ذکر کردند (سبط بن جوزی، بی تا، ص ۱۴۹). اگر تعداد ازدواج ۷۰، ۹۰، ۳۰۰ مورد قبول باشد باید تعداد فرزندان هم بیشتر از عدد ذکر شده در منابع می‌بود. همچنین با تعهد مالی که امامان معصوم نسبت به شروط ازدواج و پرداخت مهر و نفقه در ازدواج‌های خود داشتند، نمی‌شود این تعداد ازدواج را باور کرد. می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که جعل چنین روایاتی برای تخریب و تحقیر شخصیت امام حسن علیه السلام و فرزندان ایشان در دوره امویان و عباسیان است تا از تخت نامشروع حکومت خویش حفاظت کرده باشند.

#### ۲-۱۲. بخش‌ها و صدقه‌های امام حسن مجتبی علیه السلام

این بخش از زندگی امام حسن علیه السلام بسیار پرشکوه و بارز است. امام علیه السلام در سال‌هایی که بعد از صلح در شهر مدینه مقیم بود کارهای زیادی در جهت رشد و بالندگی اسلام و مسلمانان انجام داد از جمله: پرورش روحی و معنوی افراد و تدریس تفسیر قرآن و رسیدگی به امور نیازمندان و.... جود و بخشش‌های ایشان به قدری زیاد بود که شهرت اعطا و بخشش ایشان به همه رسیده بود. امام حسن مجتبی علیه السلام زندگی خود را صرف رسیدگی به نیازمندان کرده بود؛ زیرا محبت و بخشندگی از ویژگی‌های مسلم اهل بیت علیهم السلام است. امام حسن علیه السلام قلبی بزرگ، ضمیری پاک و دلی رئوف نسبت به دردمندان و تیره بختان جامعه داشت. ایشان مانند پدرش به خرابه‌نشینان و ضعیفان در نهان و آشکار رسیدگی می‌کرد و مصداق آیه: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۴) بود. از این رو هر سائل و ناتوانی درب خانه ایشان را می‌کوبید، حتی افرادی از دیگر شهرها به امید بخشش، راهی شهر مدینه می‌شدند. فقرا براساس خواسته و نیازهایشان که قرض و ادای دین، خرج ازدواج، مصارف سفر، مداوای مریض و رفع فقر و دیگر نیازها بود از سوی امام علیه السلام مورد کمک، مساعدت و یاری قرار می‌گرفتند. به همین دلیل بود که امام حسن مجتبی علیه السلام به لقب کریم اهل بیت علیهم السلام معروف شد. این کمک‌ها و دستگیری‌ها از نیازمندان به دو صورت انجام می‌شد:

- کمک‌های مستمر و همیشگی بود که به افراد سالمند، یتیم و خانواده‌های شهدا به‌طور منظم پرداخت می‌شد. همچنان که موقوفات و صدقات امیرالمؤمنین در همین راستا قرار داشت و خرج و مصرف می‌شد.

- کمک‌های مقطعی که به درراه‌ماندگان و فقرا داده می‌شد. این قسم بخشش و کرم بسیار زیاد از ناحیه ایشان انجام می‌شد و لقب کریم اهل بیت از ناحیه این بخشش زیاد به ایشان داده شد. امام حسن علیه السلام دو تا سه بار، تمام دارایی خود را در راه خدا با نیازمندان تقسیم کرد و صدقه داد. (مغربی، ۱۴۰۹، ۱۱۲/۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ۹/۳) گاهی آن قدر می‌بخشید که چیزی برای خودش باقی نمی‌گذاشت. بخشش‌های ایشان گاهی آن قدر زیاد بود که فرد نیازمند به سختی قبول می‌کرد یا برای بردن عطاها حمال می‌گرفت و غنی می‌شد. تاریخ، نمونه‌های زیادی از جود، کرم و سخاوت این اسوه‌ایثار و کرامت را ثبت کرده است که برخی از آنها بدین شرح است:

### اول) بخشش بیش از حد انتظار

روزی شخصی خدمت حضرتش شرفیاب شد و عرض حاجتی نمود. امام حسن علیه السلام فرمود: «یا هذا! حقّ سؤالک یعظم لدیّ، ومعرفتی بما یجب یکبر لدیّ ویدی تعجز عن نیلک بما أنت أهله، والکثیر فی ذات الله عزّوجلّ قلیل، وما فی ملکی وفاء لشکرک، فإن قبلت المیسور، ورفعت عتی مؤنه الإحتفال والإهتمام بما أتکلفه من واجبک فعلت؛ فلانی، حق درخواست تو نزد من بزرگ است و شناخت من به آنچه تو نیازمند آن هستی پیش من بزرگ است. دست من از رساندن آرزویی که تو سزاوار آنی، کوتاه است درحالی که بسیار در ذات حق تعالی اندک است و در ملک من آن مقدار که برای شکر تو وفا کند، موجود نیست. اگر آنچه را برای من میسر است، بپذیری و از من زحمت فراهم آوردن آن را برداری که بدون زحمت نیاز تو را برآورم، انجام می‌دهم. گفت: ای فرزند رسول خدا! من همان اعطای اندک را می‌پذیرم و برای عطیه و عنایت تو سپاسگزارم و بر آنچه منع کنی عذرت را می‌پذیرم. امام حسن علیه السلام وکیل خود را خواست تا مقدار مصرفی خود را محاسبه کند. او محاسبه کرد و سیصد هزار درهم شد. حضرت فرمود: آن مرد دو نفر حمال آورد تا آن دینارها و درهم‌ها را بردارند. حضرت ردای مبارک خود را

به عنوان اجرت به حمالان داد. غلامان حضرت گفتند: سوگند به خدا! نزد ما حتی یک درهم هم باقی نماند. امام حسن علیه السلام فرمود: «لکنی أرجو أن یکون لی عند الله أجرٌ عظیم؛ ولی من از پیشگاه خدای متعال امید دارم که پاداش بزرگی داشته باشم» (مستنبط، ۱۳۸۴، ۱/۶۷۰).

### دوم) دادخواهی از دشمنی به نام فقر نزد امام حسن علیه السلام

فردی از دشمنش به محضر امام حسن علیه السلام شکایت کرد که بی رحمانه زندگی اش را تحت فشار گرفته است. امام به وی گفت: «او، کیست؟ و مرد جواب داد از فقر و نداری است که تو انم را بریده است، امام لحظه ای سر مبارک را به زیر انداخت و به خادمش فرمود: هرچه داری بیاور. پانصد درهم به او داد و فرمود: «بحق هذه الأقسام التي أقسمت بها علي متى أتاك خصمك جائراً إلا ما أتيتني منه متظلماً؛ تو را به حق همان سوگندهایی که به من دادی، سوگند می دهم هر موقع این دشمن به سوی تو آمد نزد من بیا و دادخواهی کن» (مستنبط، ۱۳۸۴، ۱/۶۶۲).

### سوم) بخشیدن آزادی به غلامان

امام حسن مجتبی علیه السلام پرمهر و عطوفت به بهای شاخه گلی که از کنیزی دریافت کرد وی را بهتر از آنچه دریافت کرد، داد و ایشان را آزادی بخشید. امام علیه السلام غلامی را که خطا کرده بود، بخشید و بخشش را با آزادی وی نشان داد. (مستنبط، ۱۳۸۴، ۱/۴۵۸)

### چهارم) محبت امام حسن مجتبی علیه السلام به مرد شامی ناآگاه

مردی شامی در شهر مدینه چشمش به امام حسن علیه السلام می افتد و شروع به ناسزاگفتن به حضرت می کند. امام به او لبخندی پرمهر می زند و به وی می گوید: «گمانم تو در این شهر غریبی و به اشتباه برخی چیزها در ذهن تو جای گرفته است. اگر از ما چیزی بخواهی تو را راهنمایی می کنیم و اگر گرسنه باشی تو را سیر خواهیم کرد. برهنه باشی تو را می پوشانیم. اگر محتاج باشی تو را بی نیازت می کنیم و اگر رانده شده ای، پناهت می دهیم و اگر حاجت داری برآورده می کنیم و اگر مرکب خود را به حرکت درآوری و تا زمانی که در مدینه هستی میهمان ما باشی برای تو بهتر خواهد بود. از این برخوردار محبت آمیز امام علیه السلام وی شرمنده شد و به گریه افتاد و گفت: تا پیش از این، تو و پدرت دشمن ترین خلق نزد من

بودید و اکنون محبوب‌ترین خلق خدا نزد من هستید. خدا خود می‌داند که رسالت و خلافت خویش را در کجا قرار دهد». او مهمان حضرت بود و تا زمانی که مدینه را ترک کرد از محبان و معتقدان خاندان نبوت و اهل بیت (علیهم‌السلام) گردید (قمی، ۱۳۹۳، ۱/۲۹۱). این روایت یکی از مشهورترین روایت‌های ثبت شده از خلق و خو و محبت حضرت در کتب تاریخی است. مکارم اخلاق امام (علیه السلام) در همین یک برخورد برای هر کسی که تفکر کند، موج می‌زند.

### پنجم) بخشش دوازده‌هزاری امام حسن (علیه السلام) و خجالت از مرد فقیر

«مردی خدمت امام حسن (علیه السلام) رسید و اظهار فقر و پریشانی کرد. امام خازن خویش را طلبید که چه مقدار مال نزدش هست. وی گفت: دوازده‌هزار درهم. امام (علیه السلام) فرمود: همه را به این مرد فقیر بده. من از او خجالت می‌کشم. خازن گفت: دیگر چیزی برای نفقه باقی نمی‌ماند. امام (علیه السلام) گفت: تو آن را به او بده و به خدا حسن ظن داشته و امیدوار باش. امام (علیه السلام) آن پول را به مرد داد و عذرخواهی کرد و فرمود: ما حق تو را ندادیم، اما به قدری که داشتیم، دادیم». (قمی، ۱۳۹۳، ۱/۲۹۲)

### ششم) بخشش پیش از درخواست امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام)

«یکی از اعراب بادیه‌نشین نزد امام (علیه السلام) آمد و نشست. امام (علیه السلام) فرمود: هرآنچه در صندوق است به او بدهید. در آن صندوق بیست‌هزار درهم بود که همه را به او دادند. عرب بادیه‌نشین گفت: مولای من! نگذاشتی نیازم را بگویم و زبان ستایش بازکنم. امام (علیه السلام) در قالب شعری فرمود: دست‌ان ما پیش از درخواست، بخشش می‌کند تا مبادا آبروی کسی که درخواست می‌کند بریزد». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹،

۱۶/۴)

### ۳. زندگی ساده امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام)

امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) با وجود اینکه وضعیت اقتصادی مناسبی داشت و اموال را تحت تملک داشت، اما زهد بالا و بی‌رغبتی شدید ایشان به دنیا سبب شده بود که زندگی بی‌آلایش و ساده‌ای داشته باشد. امام صادق (علیه السلام) ایشان را زاهدترین فرد روزگار خویش معرفی کرد. (حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱) مدرک از یاران

پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «روزی در باغ ابن عباس بودیم که امام حسن و امام حسین ﷺ و سپس ابن عباس وارد شدند و پس از قدری گشت‌زدن در باغ در کنار نهری نشستند. امام حسن ﷺ فرمود: مدرک غذایی داری؟ گفتم: بلی و مقداری نان و نمک و سبزی آوردم. امام ﷺ آن غذای ساده را میل کرد و فرمود: مدرک چه غذای ساده و خوب و پاکیزه‌ای بود. در این وقت غذاهای مفصلی برای امام ﷺ آوردند. حضرت فرمود: مدرک! غلامان را صدا بزن تا بیایند و از این غذا بخورند. غلامان آمدند و خوردند و امام ﷺ چیزی تناول نکرد. گفتم: چرا شما صرف نکردید. امام ﷺ فرمود: من همان غذای ساده را دوست داشتم؛ زیرا غذای صالحان و مستمندان است».

چنین رفتارهای ساده‌زیستی در زندگی ایشان و اهل بیت ﷺ بسیار ثبت شده است. این دنیا و زندگی در آن برایش زندانی بیش نبود. مردی یهودی کافر که فقیر هم بود به امام ﷺ فرمود: «مگر نه این است که دنیا برای مؤمنان زندان و برای کافران بهشت است. چگونه است که احوال من و شما برخلاف هم است و من در زندان دنیا هستم و شما در بهشت دنیایی. امام ﷺ در پاسخش فرمود: اگر می‌دیدید نعمتی را که خداوند در سرای دیگر برای من و مؤمنان دیگر فراهم آورده، می‌فهمیدی که من در این دنیا پیش از انتقالم به آنجا در زندانی تنگم و تو و امثال تو اگر مجازات و شعله‌های آتش را که خداوند در آن دنیا برایتان فراهم کرده، می‌دیدید، می‌فهمیدی که اکنون پیش از انتقالت به آنجا در بهشتی فراخ و نعمتی بزرگ هستی» (مروجی طبسی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰). رسیدگی به امور نیازمندان جامعه و مسلمانان و شیعیان حقیقی که در حکومت معاویه زخم خورده بودند و از بیت‌المال محروم می‌ماندند از مشغله‌های مهم حضرت در طول زندگیش بود. همچنین مانند سیره امیرالمؤمنین علی ﷺ کسانی مورد عطایش قرار می‌گرفتند که از اعطاکننده هیچ شناختی نداشتند و این به‌طور مستمر بود. امام حسن مجتبیٰ ﷺ کسی بود که زندگی‌اش وقف چنین افرادی بود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر وضعیت اقتصادی امام حسن ﷺ از منظر منابع درآمد شامل: موقوفات، صدقات، ارث و فعالیت‌های شخصی حضرت مانند کشاورزی و همچنین هدایا و مقرری‌های حکومتی بررسی شد.

این موضوعها، وضعیت اقتصادی امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) را شکل می‌داده است و ثابت شد که مقرری‌های حکومتی برای امام (علیه السلام) بیشتر گزارشاتی است که در جهت آبرومند کردن حکومت و نشان دادن تعامل امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) پس از صلح تحمیلی با معاویه در کتاب‌های تاریخی ثبت شده است. این درحالی است که معاویه به هیچ‌یک از شروط مالی صلح‌نامه پایبند نشد و امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) و شیعیان تحت فشار شدید امنیتی و سیاسی حکومت او می‌زیستند.

امام حسن (علیه السلام) در کنار فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی برای شیعیان و مسلمانان به بخشش بسیار نیز شهرت داشت. بخشش‌هایی که فرد نیازمند را یک باره توانگر و بی‌نیاز می‌کرد. این درحالی است که از وضعیت اقتصادی امام در بخش مخارج شخصی ایشان، گزارش زیادی از هزینه‌های او برای خانواده‌اش به چشم نمی‌خورد؛ زیرا می‌توان گفت در حد مکفی به این امور رسیدگی می‌کرد، اما بسیاری از گزارش‌ها حول بخشش و صدقات حضرت به نیازمندان است. هیچ‌گاه سائلی را از خود نمی‌راند و پاسخ رد به کسی نمی‌داد. امام حسن (علیه السلام) اسوه ایثار، بخشش و سخاوت بود و براساس فرموده امام صادق (علیه السلام) ایشان از عابدترین و زاهدترین و برترین افراد زمان خود و از یاد مرگ و قیامت گریبان بود. با وجود تهمت‌هایی با عنوان مطلق و همسرگزینی تا سقف ۳۰۰ ازدواج، زندگی پاک و ساده‌ای داشت. نمی‌توان این تهمت‌ها را بر امامی زد که دغدغه حل نیازمندان را دارد و تمام داراییش وقف آنهاست. این تهمت روانی و دور از شخصیت امام (علیه السلام) است. این اتهام‌ها از نظر عقلی و نقلی رد می‌شود و مشخص است که مخالفان قصد داشتند با مخدوش کردن چهره امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) و مقام امامت، حکومت معاویه را از صفات غضب و فساد و نامشروع بودن مبرا و پاک نشان دهند.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. نهج البلاغه (۱۳۶۵). سید علی نقی فیض الاسلام. تهران: بی‌نا.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمد بن هبه‌الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳. ابن شهر آشوب، ابومحمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب. قم: نشر علامه.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۵۶). الکامل. بیروت: دار صادر.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد هاشمی بصری (۱۴۱۰). طبقات الکبری. محقق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۶. احمد بن یحیی، ابوالحسن (۱۳۳۷). فتوح البلدان. مترجم: توکل، احمد. تهران: نشر نقره.
۷. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). کشف الغمه فی معرفت الائمة. تبریز: مکتبه بنی هاشم.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). انساب الاشراف. محقق: سهیل ذکار، و ریاض زکلی. بیروت: دار الفکر.
۹. تقفی کوفی، ابوالاسحاق ابراهیم (۱۳۷۳). الغارات. مترجم: عطاردی، عزیزالله، بی جا: انتشارات عطارد.
۱۰. جزری، عزالدین بن الایثار ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۹). الاسد الغابه. بیروت: دار الفکر.
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی پیامبر ﷺ. قم: دلیل ما.
۱۲. حلی، ابن فهد (۱۴۰۷). عده الداعی و نجاح الساعی. قم: دار الکتب اسلامی.
۱۳. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). معجم البلدان. بیروت: دار الصادر الثانيه.
۱۴. دینوری، ابن قتیبه (۱۴۱۰). الامامه والسیاسه. محقق: شبیری، علی. بیروت: دار الاضواء.
۱۵. راوندی، قطب الدین (۱۳۶۸). الخرائج والحرائج. قم: مؤسسه امام هادی.
۱۶. زمانی، احمد (۱۳۸۶). حقایق پنهان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۷. سبط بن جوزی (بی تا). تذکره الخواص. تهران: مکتبه نینوا.
۱۸. سمهودی، علی بن عبدالله (۱۴۷۲). وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی. محقق: سامرایی، قاسم. بی جا: مؤسسه الفرقان لتراث الاسلامی.
۱۹. طبرسی، میرزا حسین النوری (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.
۲۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الامم والملوک. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. قمی، شیخ عباس (۱۳۹۳). منتهی الآمال. تهران: انتشارات پیام عدالت.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). اصول کافی. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۲). بحار الانوار. تهران: مؤسسه کتاب نشر.
۲۵. مروجی طبسی، محمد جواد (۱۳۸۷). سبط اکبر. قم: زائر آستانه مقدسه.
۲۶. مستنبط، احمد (۱۳۸۴). قطره ای از فضایل اهل بیت ﷺ. مترجم: طریف، محمد. قم: حاذق.
۲۷. مسعودی، ابوالحسن بن الحسین بن علی (۱۴۰۹). مروج الذهب. محقق: اسعد داغر. قم: دار الحجره.
۲۸. مغربی، قاضی نعمان (۱۴۰۹). شرح الاخبار فی فضائل ائمه اطهار ﷺ. قم: جامعه مدرسین.
۲۹. نمیری، ابن شبه (۱۳۸۰). تاریخ مدینه منوره. مترجم: صابری، حسین. تهران: معشر.
۳۰. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). المغازی. مترجم: مهدوی دامغانی، محمود. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.